

انقراض ششم

تاریخ غیرطبیعی

الیرابت کولبرت

ترجمه شربانو صارمی



- Kolbert, Elizabeth, 1961

سرشناسه: کولبرت، الیزابت، ۱۹۶۱-م.

عنوان و نام پدیدآور: انقراض ششم: تاریخ غیرطبیعی / الیزابت کولبرت؛ ترجمه شهریانو صارمی.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۵۹ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۳۰۵۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The Sixth Extinction: an unnatural history, 2014.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار با عنوان «انقراض ششم: یک تاریخ غیرطبیعی» در سال ۱۳۹۹ با ترجمه

نیک گرگین توسط نشر ثالث فیا گرفته است.

عنوان دیگر: تاریخ غیرطبیعی.

عنوان دیگر: انقراض ششم؛ یک تاریخ غیرطبیعی.

موضوع: انقراض جمعی

Mass extinctions

موضوع: نابودی (زیست‌شناسی)

Extinction (Biology)

موضوع: بلاهای زیست‌محیطی

Environmental disasters

شناسه افزوده: صارمی، شهریانو، ۱۳۴۳-، مترجم

رده‌بندی کنگره: QE۷۲۱/۲

رده‌بندی دیویی: ۵۷۶/۸۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۷۴۰۹۸

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Sith Extinction

An Unnatural History

Elizabeth Kolbert

Henry Holt and Company, 2014



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* * *

الیزابت کولبرت

انقراض ششم

تاریخ غیرطبیعی

ترجمه شهرنار صارمی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۹

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۰-۰۳۰۵-۰۴-۰۶۲۲-۹۷۸

ISBN: 978-622-04-0305-0

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۴۹۰۰۰ تومان

فهرست

۹		باز درآمد
۱۳		۱. افراض ششم
۳۵		۲. دندان های سر استودون
۶۳		۳. پنگون های ولی
۹۱		۴. شانس آمونیت ها
۱۱۷		۵. سلام بر آنتروپوسین
۱۴۱		۶. دریای پیرامون ما
۱۵۷		۷. اسید چکنه
۱۸۳		۸. جنگل و درختان
۲۱۳		۹. جزایری در خشکی
۲۳۷		۱۰. پانگنای نو
۲۶۵		۱۱. کرگدن و موج فراصوت
۲۸۷		۱۲. زن دیوانگی
۳۱۳		۱۳. موجود پر دار
۳۲۵		سیاسگزاری
۳۳۱		کتابنامه
۳۴۳		نمایه

پیش درآمد

آن طور که می گویند، ایبر داستان خیلی مشخص نیست. شاید این داستان دویست هزار سال قبل به ظهور گونه ای جدید شروع شد. این گونه در آن زمان هنوز نامی نداشت - هیچ نام - اما استعداد آن را داشت که روی بقیه نام بگذارد.

این گونه مانند هر گونه نوپایی در معرض خطر قرار داشت. تعدادش اندک و قلمروش محدود به باریکه ای در شرق آفریقا بود. جمعیت آن به کندی افزایش می یافت و به احتمال زیاد تعداد آن - به ادعای برخی تقریباً به نحوی مهلک - به چند هزار جفت محدود بود.

اعضای این گونه نه چابک بودند، نه قوی و نه بارور. اما نسبت غریبی داشتند. آن ها کم کم به مناطقی با آب و هوا، شکارچیان و شکایات متفاوت پا گذاشتند. به نظر نمی رسد هیچ یک از قید و بندهای رفتاری یا - غریزایی معمول مانعی در برابر آن ها پدید آورده باشد. آن ها از رودها، فلات ها و رشته کوه ها گذشتند. در نواحی ساحلی صدفداران را جمع می کردند و در مناطق غیر ساحلی به شکار پستانداران می پرداختند. هر جا که ساکن می شدند با محیط سازگاری می یافتند و دست به نوآوری می زدند. وقتی به اروپا رسیدند با موجوداتی مواجه شدند که بسیار شبیه خود آن ها بودند اما

کوتاه‌تر و قوی‌هیکل‌تر و احتمالاً پرزورتر، موجوداتی که از مدت‌ها قبل در این قاره زندگی می‌کردند. با آن‌ها آمیزش کردند و بعد، به روشی یا روش‌هایی، آن‌ها را نابود کردند.

پایان این برخورد عبرت‌آموز است. همان‌طور که این گونه بر وسعت حضور خود می‌افزود، به جانورانی برخورد که هیکلشان دو، ده و حتی بیست برابر او بود: گربه‌سانان غول‌آسا، خرس‌های غول‌پیکر، لاک‌پشت‌هایی به اندازه فیل، تن‌هایی به قامت چهارمتر و نیم. این گونه‌ها غالباً قوی و درنده بودند. اما به تندی را دور می‌کردند، برای همین بود که نیست و نابود شدند.

جانب دیگر، گونه‌ما - گونه همواره خلاق - از دریاها گذشت. به جزایری رسید که موجوداتی در مراحل ابتدایی تکامل در آن‌ها ساکن بودند: پرندگانی با تخم‌هایی طول سی سانتیمتر، اسب‌های آبی به اندازه گراز، سوسمارهای غول‌پیکر این موجودات که به انزوا خو کرده بودند از درافتادن با این تازه‌واردها و همسفران آن‌ها (مدتاً موش‌ها) ناتوان بودند. بسیاری بازی را باختند.

این ماجرا هزاران سال به صورت ناظم ادامه پیدا کرد و زمانی که این گونه دیگر چندان هم نوحاسته محسوس نمی‌شد، در گوشه و کنار کره زمین پراکنده شد. در این مرحله چند رویداد کمابیش هم‌زمان رخ داد و به هومو ساپینس^۱ نامی که این گونه بدان خوانده می‌شود، امکان داد با سرعتی غیرمنتظره زاد و ولد کند. تنها در یک سده تعداد آن‌ها دو برابر شد، دوباره دو برابر و باز دو برابر. جنگل‌های وسیع محو شدند. انسان آگاهانه دست به این کار زد تا غذای خود را تأمین کند. او نادانسته موجودات زنده را از یک قاره به قاره دیگر جابه‌جا کرد و با این کار زیست‌کره را از نو شکل داد.

در این اثنا تغییری حتی عجیب‌تر و بنیادی‌تر در راه بود. با کشف مخازن انرژی زیرزمینی، بشر شروع به تغییر ترکیب اتمسفر کرد. این امر آب و هوا و ترکیب شیمیایی اقیانوس‌ها را عوض کرد. برخی از گیاهان و جانوران خود را

با این تغییرات سازگار کردند. از کوه‌ها بالا رفتند و خود را به قطب رساندند. اما تعداد زیادی از آن‌ها - ابتدا صدها و بعد هزاران و سرانجام شاید میلیون‌ها - فهمیدند تنها مانده‌اند. سرعت انقراض به شدت افزایش یافت و ساختار حیات عوض شد.

تاکنون هیچ موجودی حیات را روی کره زمین این‌گونه تغییر نداده، اما رویدادهای دیگری رخ داده که می‌توان با آن مقایسه کرد. در گذشته‌های دور، بسیار دیرینه، زمین متحمل تغییراتی چنان شدید شده که تنوع حیات را به خطر انداخته است. پنج مورد از این رویدادهای پیشین چنان فاجعه‌بار بوده که طبقه‌بندی خاص خودشان را دارند و آن‌ها را پنج انقراض بزرگ نام نهاده‌اند. در آنچه شبیه یک تصادف باورنکردنی به نظر می‌رسد اما احتمالاً به هیچ روی تصادفی نیست، درست وقتی انسان‌ها متوجه شدند خودشان دارند مسبب رویدادی دیگر از این دست می‌شوند، سرگذشت این رویدادها کشف شد. هنوز بسیار زود است بگویم این یک نیز به وسعت پنج انقراض قبلی خواهد بود هرچند به انقراض ششم معروف شده است.

داستان انقراض ششم، حداقل آن‌طور که من تصمیم گرفته‌ام تعریفش کنم، در سیزده فصل گفته می‌شود. هر یک ماجرای گرنه‌ای را باز می‌گوید که به نحوی نمادین است - ماستودون آمریکایی،^۱ اوک بزرگ^۲ آمونیت‌ها^۳ که در پایان دوره کرتاسه^۴ همراه با دایناسورها ناپدید شدند. نسل مرده‌دانی که در فصل‌های اول از آن‌ها یاد می‌شود پیش‌تر منقرض شده و این نسل از کتاب عمدتاً به انقراض‌های بزرگ گذشته و تاریخ پریپیچ و خم کشف آن‌ها^۵ برمی‌گردد که با کارهای ژرژ کوویه، طبیعی‌دان فرانسوی، شروع شد. بخش دوم کتاب بیشتر به زمان حال مربوط است - به آنچه در جنگل‌های بارانی آمازون می‌گذرد که روزبه‌روز بیشتر تکه‌تکه می‌شوند، به دامنه کوه‌های آند که به سرعت در حال گرم شدن هستند و سد آهستگی بزرگ استرالیا. بنا به دلایلی که معمولاً برای خبرنگارها جذاب است تصمیم گرفتم به این مناطق بروم - به سبب وجود مرکز

پژوهشی در محل یا آن‌که یکی از من دعوت کرده بود در سفر اکتشافی همراهی‌اش کنم. به این ترتیب با رفتن به مناطق مختلف، با راهنمای مناسب، متوجه وسعت تغییراتی شدم که در حال حاضر در حال روی دادن است. یک فصل به مرگ‌های پیاپی مربوط می‌شود که کمابیش در حیاط خلوت خانه خودم و توجهش شدم (که به احتمال بسیار در حیات خلوت خانه شما هم رخ می‌دهد). اگر انقراض موضوعی هراس‌انگیز باشد، انقراض گروهی بسیار هولناک‌تر است. در فصل‌های بعد تلاش می‌کنم به هر دو جنبه موضوع بپردازم: شور و هیجان وجود آن‌ها از آنچه بدان پی می‌بریم و وحشت ناشی از آن. امیدوارم خوانندگان کتاب ارزش این دوران واقعاً استثنایی را که در آن به سر می‌بریم بدانند.